

توصیف محیط پرورش استعداد نوجوانان بسکتبالیست نخبه و ارتباط آن با مهارت‌های روانی

مهرشاد تیزرو^۱، و رخساره بادامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف محیط پرورش استعداد نوجوانان بسکتبالیست نخبه و بررسی ارتباط محیط پرورش استعداد با مهارت‌های روانی بود. تعداد ۲۹ نوجوان پسر دعوت‌شده به تیم ملی نوجوانان به صورت در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محیط پرورش استعداد مارتیندال و همکاران و پرسش‌نامه مهارت‌های روانی امست-سه جمع‌آوری شد و با استفاده از آزمون‌های تی تک‌نمونه و رگرسیون تحلیل شدند. میانگین محیط پرورش استعداد و مهارت‌های روانی بیشتر از حد متوسط به دست آمد. علاوه بر این، متغیر محیط پرورش استعداد در حد بسیار ضعیفی توان تبیین متغیر مهارت‌های روانی را داشت. ارتباط ضعیف محیط پرورش استعداد با مهارت‌های روانی از جنبه‌های مختلف تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های روانی، محیط پرورش استعداد، بسکتبال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

۲. دانشیار رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان

Email: Rokhsareh.badam@gmail.com

(نویسنده مسئول)

مقدمه

در دهه ۱۹۷۰ میلادی، مطالعات زیادی در زمینه پدیده کشف استعداد در ورزش انجام شده‌اند. در این دهه، مربیان و دانشمندان علوم ورزشی در آلمان شرقی و کشورهای وابسته به شوروی سابق، مدارسی را برای کودکانی که استعداد خود را آشکار کرده بودند، افتتاح کردند. فرض آن‌ها این بود که کودکان توانایی پیشرفت در ورزش دارند. پژوهشگران نیز تلاش کردند با سنجش استعداد روان‌شناختی به‌تنهایی یا همراه با توانایی‌های جسمی و تکنیکی، به کشف استعدادهای ورزشی بپردازند و عملکرد ورزشی ورزشکاران را در دوره‌های مختلف زمانی پیش‌بینی کنند (واعظ موسوی و مسیبی، ۲۰۰۷). در طول این سال‌ها، مدل‌های مختلف کشف استعداد ویژه حوزه ورزش همچون باراور^۱ (۱۹۷۵)، گیمبل^۲ (۱۹۷۶)، جونز و واتسون^۳ (۱۹۷۷)، جرون^۴ (۱۹۷۸)، هار^۵ (۱۹۸۲) و هاولیک، کمدال، کماریک و سیمکوا^۶ (۱۹۸۲) ایجاد شدند. این مدل‌ها در زمان خود مناسب و جدید بودند؛ اما براساس دیدگاه‌های اخیر دانشمندان، روایی و سودمندی این مدل‌ها محل تردید است. پژوهشگرانی همچون بلوم و سوسنیاک^۷ (۱۹۸۵) بیان کرده‌اند که استعداد چه ذاتی و چه اکتسابی، برای پیش‌بینی سطح اجرا در آینده قابل‌استفاده نیست. البته منظور آن‌ها این نبود که استعداد ذاتی وجود ندارد یا در پیشرفت اجرا بی‌تأثیر است؛ بلکه منظورشان این بود که تعامل شاخصه‌های ژنتیک با عوامل متعدد محیطی، تعیین

آثار طولانی‌مدت استعداد در عملکرد ورزشی را خیلی دشوار یا در واقع غیرممکن می‌کند. به‌طور کلی، از مرور مدل‌های کشف استعداد می‌توان دریافت که فرایند کشف استعداد براساس رویکرد علمی بسیار پرزحمت است. اجرای این روند بسیار پیچیده است و در صورت میسر بودن آن، هر روز سؤال‌های تازه‌ای مطرح می‌شود (واعظ موسوی و مسیبی، ۲۰۰۷). مارتیندال^۸ و همکاران (۲۰۱۰) مطرح کردند که تلاش برای شناسایی استعدادهای خاص در ورزش مانند تلاش برای پیدا کردن یک سوزن در انبار کاه است. به عقیده آن‌ها، نمی‌توانیم ساختار ژنتیکی را تغییر دهیم؛ اما محیط قابل‌تغییر است و باید بر عامل محیط تأکید بیشتری داشته باشیم. با همین دیدگاه، در دهه ۱۹۸۰ میلادی پژوهش‌های استعدادیابی تغییرات روش-شناختی کردند. در این پژوهش‌ها به‌جای تمرکز بر شیوه‌های استعدادیابی، فرایند اکتساب خبرگی در خیرگان ورزشی از نظر میزان تمرین رشته تخصصی ورزشی، میزان تمرین رشته‌های ورزشی دیگر، میزان تمرین آمادگی جسمانی و روانی، سن شروع ورزش و منابع حمایتی بررسی شدند تا میزان و شیوه تمرین بهینه برای دستیابی به خبرگی شناخته شود (کوته^۹، ۱۹۹۹). براساس این مطالعات، سن شروع و میزان تمرین، مربی شایسته و منابع حمایتی از عوامل مهمی هستند که در دستیابی به عملکرد عالی ورزشی نقش ایفا می‌کنند (فراسرتوماس، کوته و دیکین^{۱۰}، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، باید نقش این عوامل در زندگی ورزشکارانی که می‌خواهند استعدادشان را به بهترین وجه شکوفا کنند، به‌حد اکثر برسد (لی، وانگ، پیون و مارتیندال^{۱۱}، ۲۰۱۵)؛ بر همین اساس، برنامه‌های پرورش استعداد -

1. Bar-Or
2. Gimbel
3. Jones & Watson
4. Geron
5. Harre
6. Havlicek, Komadel, Komarik & Simkova
7. Bloom & Sosniak

8. Martindale
9. Côté
10. Thomas, Côté & Deakin
11. Li, Wang, Pyun & Martindale

نه استعدادیابی - مورد توجه پژوهشگران و متخصصان قرار گرفتند (مارتیندال و همکاران، ۲۰۱۰).

برنامه پرورش استعداد، فراهم‌سازی مناسب‌ترین شرایط و محیط آموزشی با هدف شکوفاشدن ظرفیت‌های ورزشی ورزشکاران است (رایلی، ویلیامز، نویل و فرانکس^۱، ۲۰۰۰). در همین ارتباط، لی، وانگ و پیون (۲۰۱۴) با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه محیط پرورش استعداد، سه عامل درون‌فردی، محیط اجتماعی و تجهیزات را در پرورش خبرگان ورزشی مؤثر دانستند. وسترمارک^۲ (۲۰۱۶) فرهنگ سازمانی یکپارچه و قوی بین باشگاه، مدرسه و خانواده را عامل موفقیت یکی از مراکز پرورش فوتبالیست-های زن نخبه دانست. ایوارسون^۳ و همکاران (۲۰۱۵) با مطالعه در زمینه محیط پرورش نوجوانان نخبه فوتبال به این نتیجه رسیدند که زمان‌بندی آموزش فوتبال از نظر تکنیک، تاکتیک و بازی، به سن کودکان بستگی دارد. مارتیندال و همکاران (۲۰۱۰) هفت عامل تمرکز بر رشد بلندمدت^۴، آماده‌سازی کیفی^۵، ارتباطات^۶، درک ورزشکار^۷، شبکه حمایتی^۸، محیط چالشی حمایت‌گرایانه^۹ و اصول رشد طولانی‌مدت^{۱۰} را در محیط‌های موفق پرورش استعداد شناسایی کردند و براساس آن، پرسش‌نامه محیط پرورش استعداد^{۱۱} را

طراحی کردند. براساس مطالعات ذکرشده، به نظر می‌رسد که پرورش استعداد فرایند پیچیده‌ای است که توسط گروهی از متغیرهای محیطی، فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی میانجی‌گری می‌شود (رایلی و همکاران، ۲۰۰۰)؛ اما مهم این است که از بین متغیرهای مختلف، مهارت‌های روانی پیش‌بینی‌کننده قهرمانی در المپیک بوده‌اند (اورلیک و پارتینگتون^{۱۲}، ۱۹۸۸).

آموزش مهارت‌های روانی اغلب در برنامه‌های مربوط به آماده‌سازی خبرگان برای رقابت گنجانده می‌شود؛ اما خیلی دیر به آموزش مهارت‌های روانی پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد، روش کارآمدتر این است که ورزشکاران در محیط پرورش استعداد به‌گونه‌ای پرورش یابند که مهارت‌های روانی‌شان ارتقا یابد؛ برای مثال، ورزشکار از همان ابتدا با استفاده از هدف‌گزینی برای رسیدن به اهداف بالا ترغیب شود و مربی به‌گونه‌ای بازخورد دهد و از ورزشکار حمایت کند که اعتمادبه‌نفس ورزشکار افزایش یابد و تحمل بیشتری برای رویارویی با شرایط استرس‌زا داشته باشد. به-عبارت‌دیگر، بهتر است شرایطی ایجاد شود که فراگیران از نظر روانی شرایط بهتری را تجربه کنند (مک‌نامارا و کالینز^{۱۳}، ۲۰۱۱).

متأسفانه، فرایندهای چندگانه گنجانده‌شده در پرورش استعداد اغلب توسط سیستم‌ها و پروتکل‌های به‌کاررفته در ورزش نادیده گرفته می‌شوند (مک‌نامارا و کالینز، ۲۰۱۱). افزون‌براین، هر ساله پژوهش‌های زیادی مبنی بر شناسایی محیط‌های موفق پرورش استعداد و تعیین عوامل موفقیت آن‌ها انجام می‌شوند و بر مبنای این پژوهش‌ها، انگیزه‌ها و موانع موجود در محیط‌های پرورش استعداد شناسایی می‌شوند و همچنین، برای آن‌ها راهکار ارائه می‌گردد؛ اما در

1. Reilly, Williams, Nevill, A., & Franks
2. Westermarck
3. Ivarsson
4. Long-Term Development Focus
5. Quality Preparation
6. Communication
7. Understanding the Athlete
8. Support Network
9. Challenging and Supportive Environment
10. Long-Term Development Fundamentals
11. Talent Development Environment Questionnaire

12. Orlick & Partigton
13. Macnamara & Collins

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری پژوهش حاضر برای اعتباریابی پرسش‌نامه محیط رشد استعداد، ۳۰۴ ورزشکار زن و مرد در سطوح رقابتی استانی و ملی در رده سنی نوجوانان و جوانان از ۹ رشته ورزشی (شش رشته تیمی و سه رشته انفرادی) والیبال (۲۰ دختر و ۲۰ پسر)، بسکتبال (۲۰ دختر و ۲۰ پسر)، هندبال (۲۰ دختر و ۲۰ پسر)، فوتسال (۲۰ دختر و ۲۰ پسر)، واترپلو (۱۸ دختر و ۱۸ پسر)، فوتسال (۱۸ دختر و ۱۸ پسر)، بدمینتون (۱۲ دختر و ۱۲ پسر)، تکواندو (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) و کاراته (۱۲ دختر و ۱۲ پسر) بودند. با توجه به اینکه نمونه موردنیاز در مطالعات تحلیل عاملی پنج تا ۱۰ شرکت‌کننده به‌ازای هر گویه پرسش‌نامه است و پرسش‌نامه محیط رشد استعداد ۵۹ گویه دارد، در نتیجه به‌ازای هر گویه پنج شرکت‌کننده در نظر گرفته شد و تعداد شرکت‌کنندگان برای اعتبارسنجی پرسش‌نامه ۲۹۵ نفر برآورد شدند. این تعداد به‌صورت در دسترس از جامعه‌های هدف انتخاب شدند. تعداد ۲۹ نفر از بسکتبالیست‌های مرد رده سنی نوجوانان که به اردوی تیم ملی در سال ۱۳۹۵ دعوت شده بودند، جامعه آماری پژوهش حاضر را برای سنجش ارتباط بین محیط رشد استعداد با مهارت‌های روانی بسکتبالیست‌های مرد نخبه تشکیل دادند. به دلیل حجم کم جامعه آماری، حجم نمونه آماری با حجم جامعه برابر گرفته شد.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

در این پژوهش، دو پرسش‌نامه ابزار اندازه‌گیری هستند که شامل پرسش‌نامه محیط پرورش استعداد مارتیندال و همکاران (۲۰۱۰) و پرسش‌نامه

ایران تلاش‌های اندکی برای این موضوع شده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که توصیف وضعیت موجود محیط پرورش استعداد در ایران، اولین گام در این زمینه باشد تا بتوان براساس وضعیت موجود، به ارائه راهکار برای افزایش انگیزه‌ها و کاهش موانع پرداخت؛ براین اساس، یکی از اهداف پژوهش حاضر، توصیف محیط پرورش استعداد بسکتبالیست‌های نخبه است. انتخاب رشته بسکتبال بدین دلیل بوده است که پژوهشگر مطالعه حاضر، تجربه بازی و مربیگری در لیگ برتر بسکتبال را دارد و علاقه وافری به توصیف محیط پرورش استعداد بسکتبالیست‌های ایران دارد. محیطی که فرد (خانواده و مدرسه) در آن تربیت می‌شود، با عزت‌نفس (یوسلیانی، حبیبی و سلیمانی، ۲۰۱۲)، اضطراب و افسردگی (رحمانی و محب، ۲۰۱۱)، کنترل (یوسلیانی و همکاران، ۲۰۱۲) و انگیزش (پاور و ولگار، ۱۹۹۴) فرد ارتباط دارد. با این حال، رابطه محیط پرورش ورزشکاران با مهارت‌های روانی ورزشکاران سنجیده نشده است؛ بنابراین، هدف دیگر پژوهش حاضر تعیین ارتباط بین محیط پرورش استعداد با مهارت‌های روانی بسکتبالیست‌های نخبه است. اجرای پژوهش حاضر می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را در مورد محیط پرورش استعداد بسکتبالیست‌های نخبه و ارتباط آن با مهارت‌های روانی فراهم کند. این اطلاعات می‌توانند به مسئولان برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و به والدین برای قرار دادن فرزندانشان در مسیر بهتر ورزشی کمک کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است که داده‌های آن در بهار ۱۳۹۵ جمع‌آوری شدند.

بررسی می‌کند که ورزشکاران به‌طور مناسب به‌چالش کشیده شوند و درطول این چالش‌ها حمایت مناسبی را دریافت کنند. خرده‌مقیاس «اصول رشد طولانی-مدت» عوامل کلیدی را برای توسعه بیشتر مثل سهمیه‌بودن ورزشکار در تصمیم‌گیری‌ها، پرهیز از تخصصی‌شدن زودهنگام و حمایت خانوادگی، مطرح کرده است.

شماره سؤال‌های مربوط به هر خرده‌مقیاس به شرح زیر است:

خرده‌مقیاس اول: تمرکز بر رشد بلندمدت که شامل ۲۴ گویه (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹) است؛

خرده‌مقیاس دوم: آماده‌سازی کیفی شامل پنج گویه (۸، ۱۱، ۱۲، ۲۷، ۴۱، ۴۴) است؛

خرده‌مقیاس سوم: ارتباطات که شامل هفت گویه (۱۴، ۱۹، ۲۴، ۳۲، ۳۷، ۴۵، ۵۲) است؛

خرده‌مقیاس چهارم: درک ورزشکار شامل چهار گویه (۱۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱) است؛

خرده‌مقیاس پنجم: شبکه حمایتی شامل هشت گویه (۵، ۷، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۴۲، ۵۶) است؛

خرده‌مقیاس ششم: محیط حمایتگر و درعین‌حال چالشی، شامل چهار گویه (۴، ۲۱، ۳۰، ۳۵) است؛

خرده‌مقیاس هفتم: اصول پرورش طولانی‌مدت شامل هفت گویه (۱۲، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۵، ۵۷، ۵۸) است.

گویه‌های ۴، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۱ و ۴۴ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. پاسخ‌ها براساس لیکرت شش‌درجه‌ای مرتب می‌شوند که نمره یک، کاملاً مخالفم تا نمره شش، کاملاً موافقم است.

مارتیندال و همکاران (۲۰۱۰) با اجرای پرسش‌نامه روی ۵۹۰ ورزشکار روایی سازه آن را تأیید کردند و آلفای کرونباخ را برای کل پرسش‌نامه ۹۷ درصد گزارش کردند. برای اعتبارسنجی پرسش‌نامه در

مهارت‌های روانی امست-سه (دوراند-بوش، سالملا، گرین‌دیمر، ۲۰۰۱) هستند.

پرسش‌نامه محیط رشد استعداد

مارتیندال و همکاران (۲۰۱۰) پرسش‌نامه محیط رشد استعداد را طراحی کرده‌اند. پرسش‌نامه از ۵۹ گویه تشکیل شده است که هفت خرده‌مقیاس «تمرکز بر رشد بلندمدت»^۱، «آماده‌سازی کیفی»^۲، «ارتباطات»^۳، «درک ورزشکار»^۴، «شبکه حمایتی»^۵، «محیط چالشی حمایتگرانه»^۶ و «اصول رشد طولانی‌مدت»^۷ را در برمی‌گیرد. سؤال‌های خرده‌مقیاس «تمرکز بر رشد بلندمدت» درمورد هدف‌گزینی، تمرینات پایه و برنامه‌ریزی برای پیشرفت است. خرده‌مقیاس «آماده‌سازی کیفی» درمورد کیفیت تمرین، بازگشت به حالت اولیه و تجربه مسابقه است. خرده‌مقیاس «ارتباطات» درمورد ایجاد رابطه مؤثر مربی با ورزشکار برای افزایش دانش ورزشکار، شناسایی حریفان و محیط رقابت قبل از مسابقه است. خرده-مقیاس «درک ورزشکار» مربوط به ادراک منفی ورزشکار از توجه مربی و مسئولان به زندگی بیرون از تمرین و سلامت روان ورزشکاران است. خرده‌مقیاس «شبکه حمایتی» درمورد حمایت پیوسته، دردسترس و همیشگی کادر مربیان (فنی، بدن‌ساز و روان‌شناس) و متخصص تغذیه و فیزیوتراپ است. خرده-مقیاس «محیط چالشی حمایت‌گرانه» این نکته را

1. Durand-Bush, Salmela & Green-Demers
2. Long-Term Development Focus
3. Quality Preparation
4. Communication
5. Understanding the Athlete
6. Support Network
7. Challenging and Supportive Environment
8. Long-Term Development Fundamentals

ترکیبی^۵ استفاده شد. برای محاسبه این شاخص‌ها از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور استفاده گردید. شاخص واریانس استخراج شده برای خرده‌مقیاس‌های رشد بلندمدت، کیفیت آماده‌سازی، ارتباطات، درک ورزشکار، شبکه حمایتی، محیط چالشی و رقابتی و اساس رشد بلندمدت به ترتیب ۰/۵۴، ۰/۵۵، ۰/۵۴، ۰/۵۰، ۰/۵۰ و ۰/۵۰ به دست آمد و معیار فورنل و لارکر، بارهای عاملی متقاطع و اچ.تی.ام.تی دلالت بر مطلوبیت اعتبار ممیز محیط رشد استعداد در هر ۷ خرده‌مقیاس داشت. همین‌طور، مقدار ضریب آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی برای خرده‌مقیاس رشد بلندمدت ۰/۸۷ و ۰/۸۸، کیفیت آماده‌سازی ۰/۷۰ و ۰/۷۳، ارتباطات ۰/۷۶ و ۰/۸۲، درک ورزشکار ۰/۶۳ و ۰/۷۶، شبکه حمایتی ۰/۷۱ و ۰/۷۴، محیط چالشی و رقابتی ۰/۶۹ و ۰/۷۴ و نهایتاً اساس رشد بلند مدت ۰/۷۰ و ۰/۷۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایا و قابل اعتماد بودن این پرسش‌نامه بود.

پرسش‌نامه امست-سه

دوران‌د بوش، سالما و گرین دیمرز^۶ در سال ۲۰۰۱، سنجش مهارت‌های روانی امست-سه را که نسخه سوم ابزار سنجش مهارت‌های ذهنی اوتاوا است، طراحی کردند. این پرسش‌نامه ۴۸ سوالی ۱۲ مهارت ذهنی یا روانی را که در سه گروه مهارت‌های روانی پایه (اعتمادبه‌نفس، هدف‌گزینی و تعهد)، مهارت‌های روان‌تنی (واکنش به استرس، کنترل ترس، آرمیدگی

ایران، این پرسش‌نامه توسط یک روان‌شناس ورزشی به زبان فارسی ترجمه شد و توسط فرد دیگری که مهارت خاصی در هر دو زبان فارسی و انگلیسی داشت، مجدداً به زبان انگلیسی بازترجمه شد. نسخه اصلی با نسخه بازترجمه‌شده مقایسه شد و اصلاحات کوچکی روی نسخه ترجمه‌شده انجام شد.

در پژوهش حاضر، برای بررسی اعتبار عاملی متغیر محیط رشد استعداد و خرده‌مقیاس‌های آن، از تکنیک‌های اعتبار همگرا (شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده)^۱ و نیز اعتبار ممیز (معیار فورنل و لارکر)^۲، بارهای عاملی متقاطع^۳ و شاخص اچ.تی.ام.تی.^۴ استفاده گردید. همچنین، برای بررسی پایایی محیط رشد استعداد و خرده‌مقیاس‌های آن، از تکنیک‌های ضریب آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد

۱. متوسط واریانس استخراج‌شده (Average Variance Extracted): متوسط مربعات بارهای بیرونی یک سازه انعکاسی بزرگ‌تر از مقدار ۰/۵۰ است.

۲. Cross Loading: براساس این معیار انتظار می‌رود که بار عاملی هر معرف روی عاملی که برای آن تعریف شده است، بزرگ‌تر از بار عاملی همان معرف روی سایر عامل‌های موجود در مدل باشد.

۳. Fornell and Larcker: براساس این معیار انتظار می‌رود که ریشه دوم متوسط واریانس استخراج‌شده

(\sqrt{AVE}) برای هر سازه از همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها بیشتر باشد.

۴. Hetero-Trait Mono-Trait Ratio: براساس این معیار انتظار می‌رود که متوسط هندسی ضرایب همبستگی بین معرف‌هایی که مربوط به سازه‌های متفاوت هستند، از متوسط هندسی ضرایب همبستگی بین معرف‌هایی که مربوط به سازه مشابهی هستند کمتر باشد و بنابراین، نسبت بین آن‌ها (نسبت HTMT) از مقدار یک کوچک‌تر باشد.

۵. Composite Reliability: در ضریب قابلیت اعتماد ترکیبی، ترکیب معرف‌ها برای ساخت متغیرهای پنهان (عامل‌ها) به صورت وزنی انجام می‌شود؛ به صورتی که معرف‌های دارای همبستگی بالاتر با سایر معرف‌ها، وزن بیشتری در به‌دست‌آوردن نمره عاملی برای هریک از متغیرهای پنهان پیدا می‌کنند.

6. Durand-Bush, Salmela, & Green-Demers

در ایران، این پرسش‌نامه در پژوهش زیدآیادی، رضائی و متشرعی (۲۰۱۴) بررسی شد. همسانی درونی کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۱ به دست آمد و برای خرده‌مقیاس‌ها نیز ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۰ گزارش شد. آن‌ها از طریق روایی سازه، وجود سه بعد در این پرسش‌نامه را تأیید کردند.

روش جمع‌آوری اطلاعات شامل جمع‌آوری پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌نامه‌های پژوهش است. بدین‌صورت که پژوهشگر شخصاً پرسش‌نامه‌ها را توزیع کرد و پس از توضیحات لازم درمورد ماهیت پرسش‌نامه و محرمانه‌بودن نتایج، از ورزشکاران خواسته شد که پرسش‌نامه‌ها را با دقت مطالعه کرده و نظر خود را با علامت‌زدن یکی از گزینه‌ها بیان کنند.

روش پردازش داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی، از میانگین و انحراف استاندارد و ترسیم جداول و در سطح آمار استنباطی، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

در جداول دو تا شش، یافته‌های پژوهش خلاصه شده است.

یا آرام‌سازی و نیروبخشی) و مهارت‌های شناختی (تمرکز، بازیابی تمرکز، تصویرسازی ذهنی، تمرین ذهنی و طرح‌ریزی مسابقه) جای دارند، می‌سنجد. این پرسش‌نامه دارای سه زیرمقیاس اصلی و ۱۲ زیرمقیاس فرعی است. در این پرسش‌نامه، بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند دریافت کند برابر با ۳۳۶ و پایین‌ترین نمره برابر با ۴۸ است. دریافت نمره نزدیک به ۳۳۶ نشان‌دهنده مهارت‌های روانی بالا در یک ورزشکار و دریافت نمره نزدیک به ۴۸ نشان‌دهنده مهارت‌های روانی پایین در وی است. نمره هریک از خرده‌مقیاس‌ها نیز با جمع امتیاز سؤال‌های هریک از خرده‌مقیاس‌ها تعیین می‌شود. عبارات این پرسش‌نامه روی یک مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند که از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است.

دوران‌د-بوش و همکاران (۲۰۰۱) ویژگی‌های روان‌شناختی این پرسش‌نامه را بررسی کردند. آن‌ها برای محاسبه پایایی این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند که ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۸ بود. همچنین در پژوهش اوفنگر^۱ (۲۰۰۵)، ضریب آلفای کرونباخ برای بعد شناختی برابر با ۰/۸۱، برای بعد روان‌تنی برابر با ۰/۷۴ و برای اعتمادبه‌نفس برابر با ۰/۸۸ گزارش شد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) متغیر محیط رشد استعداد

متغیر	گرایش مرکزی		شاخص پراکندگی		شکل توزیع	
	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
محیط رشد استعداد	۲۶۷/۷۳	۲۲۹	۳۲۷	۲۳/۷۲	-۰/۷۶	۱/۹۳
رشد بلندمدت	۱۲۱/۶۰	۹۷	۱۳۷	۱۱/۲۴	-۰/۶۲	-۰/۱۶
کیفیت آماده‌سازی	۱۷/۴۰	۹	۲۲	۴/۰۱	-۰/۷۰	-۰/۱۳
ارتباطات	۳۴/۰۶	۲۸	۴۲	۴/۸۱	-۰/۳۴	-۱/۲۹
درک ورزشکار	۱۳/۸۶	۸	۲۱	۴/۰۷	-۰/۲۴	-۱/۰۲
شبکه حمایتی	۳۰/۵۳	۲۲	۴۳	۵/۳۴	-۰/۵۲	۰/۸۸
محیط چالشی و رقابتی	۱۶/۸۰	۱۱	۲۲	۳/۵۸	-۰/۱۹	-۱/۱۰
اساس و بنیان رشد بلندمدت	۳۳/۴۶	۲۵	۴۲	۴/۲۷	-۰/۱۵	۰/۵۳

1. Aufenger

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) متغیر مهارت‌های روانی

متغیر	گرایش مرکزی	پراکندگی		شکل توزیع
		انحراف استاندارد	حداکثر	
مهارت‌های روانی	۲۵۳/۸۰	۱۸۴	۳۰۰	کشی‌دگی
مهارت‌های بنیادی	۹۲	۶۲	۱۰۶	کجی
مهارت‌های روان‌تنی	۸۰/۹۳	۶۲	۹۳	کشی‌دگی
مهارت‌های شناختی	۸۰/۸۶	۶۰	۱۰۱	کجی

جدول ۴. برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت بررسی وضعیت محیط رشد استعداد و خرده‌مقیاس‌های آن

متغیر	برآورد توصیفی		برآورد استنباطی	
	میانگین	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
محیط رشد استعداد	۲۶۷/۷۳	۲۳/۷۲	۹/۹۹	۰/۰۰۱
رشد بلندمدت	۱۲۱/۶۰	۱۱/۲۴	۱۲/۹۴	۰/۰۰۱
کیفیت آماده‌سازی	۱۷/۴۰	۴/۰۱	-۰/۱۰	۰/۹۲۵
ارتباطات	۳۴/۰۶	۴/۸۱	۷/۶۹	۰/۰۰۱
درک ورزشکار	۱۳/۸۶	۴/۰۶	-۰/۱۳	۰/۹۰۱
شبکه حمایتی	۳۰/۵۳	۵/۳۴	۱/۸۳	۰/۰۸۸
محیط چالشی و رقابتی	۱۶/۸۰	۳/۵۸	۳/۰۲	۰/۰۰۹
اساس و بنیان رشد بلندمدت	۳۳/۴۶	۴/۲۷	۸/۱۲	۰/۰۰۱

براساس داده‌های جدول چهار، میانگین چهار متوسط و میانگین سه خرده‌مقیاس در حد متوسط خرده‌مقیاس محیط رشد استعداد، بالاتر از حد ارزیابی شده است.

جدول ۵. برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت بررسی وضعیت مهارت‌های روانی و خرده‌مقیاس‌های آن

متغیر	برآورد توصیفی		برآورد استنباطی	
	میانگین	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
مهارت‌های روانی	۲۵۳/۸۰	۲۸/۴۴	۸/۴۱	۰/۰۰۱
مهارت‌های پایه	۹۲	۱۰/۵۶	۱۰/۲۶	۰/۰۰۱
مهارت‌های روان‌تنی	۸۰/۹۳	۸/۸۴	۷/۴۱	۰/۰۰۱
مهارت‌های شناختی	۸۰/۸۶	۱۱/۲۹	۵/۷۸	۰/۰۰۱

براساس داده‌های جدول پنج، میانگین هر سه خرده‌مقیاس مهارت‌های روانی بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۶. برآورد تحلیل رگرسیون ساده جهت بررسی اثر متغیر محیط رشد استعداد بر مهارت‌های ذهنی

مدل					
مدل	آر	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار	
	۰/۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۷۰	۲۹/۴۷	
آنوا					
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	اف	سطح معناداری
رگرسیون	۲۷/۴۱	۱	۲۷/۴۱		
باقی مانده	۱۱۲۹۶/۹۸	۱۳	۸۶۸/۹۹	۰/۰۳	۰/۸۶۲
کل	۱۱۳۲۴/۴۰	۱۴	-		
ضرایب					
مدل	آلفا	بتا	ضرایب غیراستاندارد	تی	سطح معناداری
محیط رشد استعداد	۲۶۹/۵۹	-۰/۰۶	خطای معیار	بتا	۰/۳۳
			ضرایب استاندارد		-۰/۰۵
					-۰/۱۸
					۰/۸۶۲

خرده‌مقیاس در بسکتبالیست‌های نخبه، می‌تواند این‌گونه استدلال کرد که در محیط پرورش استعداد بسکتبالیست‌ها، به مهارت‌های اساسی و پایه، هدف‌گزینی، مشارکت ورزشکار در تعیین اهداف و متعهد شدن آن‌ها به اجرای برنامه، بیشتر از سطح متوسط توجه شده است.

مهارت‌های اساسی و پایه هر رشته ورزشی پیش‌نیازی برای مهارت‌های حرکتی پیشرفته‌تر در آن ورزش هستند. اهداف نیز در رسیدن به عملکرد سطح بالا نقش ایفا می‌کنند. با توجه به گویه‌هایی که در مورد هدف‌گزینی و برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف مطرح شده‌اند، به نظر می‌رسد که در محیط پرورش استعداد این ورزشکاران، به اهداف عملکردی و فرایندی توجه بیشتری شده است. پژوهش‌های مربوط به هدف‌گزینی نشان داده‌اند که اهداف عملکردی و فرایندی اثر بهتری نسبت به اهداف نتیجه‌ای در ارتقای عملکرد ورزشکاران دارند؛ زیرا، هدف‌های عملکردی و فرایندی را می‌توان با دقت بیشتری کم و زیاد یا تعدیل کرد (مانند افزودن فقط دو درصد به توانایی خود در مهارت یا قابلیت خاص)؛ درحالی‌که هدف‌های نتیجه‌ای مانند برد، تا این حد تنظیم‌شدنی نیستند (واعظ‌موسوی و مسیبی، ۲۰۰۷).

مقادیر برآورد شده در جدول شش بیانگر این است که متغیر محیط رشد استعداد، تنها دو درصد از واریانس متغیر مهارت روانی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، متغیر محیط رشد استعداد در حد بسیار ضعیف توان تبیین متغیر مهارت‌های روانی را دارد و اثر متغیر محیط رشد استعداد بر مهارت‌های روانی به لحاظ آماری معنادار نیست ($P \geq 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف توصیف و تعیین رابطه محیط پرورش استعداد با مهارت‌های روانی بسکتبالیست‌های نخبه انجام شده است. مطابق نتایج، از هفت خرده‌مقیاس محیط پرورش استعداد، میانگین چهار خرده‌مقیاس «تمرکز بر رشد بلندمدت»، «اصول رشد بلندمدت»، «محیط چالشی حمایت‌گرانه» و «ارتباطات»، بالاتر از سطح متوسط و میانگین سه خرده‌مقیاس «آماده‌سازی کیفی»، «درک ورزشکار» و «شبکه حمایتی»، در حد متوسط ارزیابی شد. خرده‌مقیاس تمرکز بر رشد بلندمدت بر «تمرینات پایه»، «هدف‌گزینی» و «برنامه‌ریزی برای پیشرفت» تأکید دارد. با توجه به بالاتر از سطح متوسط بودن این

رهاکنندگان ورزش متعلق به خانواده‌هایی با درآمد کم هستند. در واقع، این‌طور به نظر می‌رسد که مشارکت در ورزش به‌طور بالقوه با حمایت‌های اجتماعی-اقتصادی خانواده ورزشکار در رابطه است. یافته دیگر مطالعه حاضر نشان داد که خرده‌مقیاس «محیط چالشی حمایت‌گرانه» نیز بالاتر از حد متوسط است. هدف از طراحی این خرده‌مقیاس، بررسی حمایت دریافت‌شده توسط ورزشکار در شرایط چالشی بوده است؛ زیرا، در شرایط چالشی محیط حمایت‌گرانه باعث می‌شود که ورزشکار راحت‌تر شرایط فشار را تحمل کند. به عبارت دیگر، محیط حمایت‌گر و درعین حال چالشی، بدین مفهوم است که با اینکه تمرین و فشار برای رسیدن به سطوح بالا ضروری است، تنها در ترکیب با فرایند کیفی و حمایت‌گرانه، فرد به مراحل بالاتر و موفقیت می‌رسد. در همین ارتباط، دوران‌بوش و همکاران (۲۰۰۱) این نکته را بیان کردند که در بیشتر کشورها، ورزشکاران جوان باید تمرینات خود را درحالی که به تحصیلات خود نیز ادامه می‌دهند، انجام دهند. آن‌ها برای توضیح این موقعیت از واژه «دوشغله» استفاده کردند و بیان کرده‌اند که دوشغله‌بودن نیاز به حمایت اطرافیان دارد. کریستن‌سن و سرنسن^۴ (۲۰۰۹) اشاره کرده‌اند که تقاضاهای متعارض می‌توانند منجر به کاهش موفقیت تحصیلی و ایجاد استرس درین ورزشکاران و حتی منجر به ترک ورزش آن‌ها شوند. این موضوع در پرسش‌نامه محیط رشد استعداد با این سؤال که «مدرسه/ دانشگاه وقتی که به آن‌ها نیاز دارم از فعالیت‌های ورزشی من حمایت نمی‌کنند»، بررسی شده است. هولیهان^۵ (۲۰۰۰) با اشاره به این مسئله که راضی نگه‌داشتن مدرسه ورزشکاران امر مشکلی است، به ضرورت وجود یک نظام آموزشی منعطف در

اهداف عملکردی و فرایندی جو انگیزشی محیط را تبحر محور می‌کند. جو انگیزشی تبحر محور نیز علاقه به تداوم مشارکت ورزشی و میزان تلاش و تحمل ورزشکاران را افزایش می‌دهد (مارتیندال، کولینز و آبراهام، ۲۰۰۷). همچنین، مشارکت ورزشکار در تعیین هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به پیشرفت (آماده‌سازی جسمی نظیر تناسب اندام، انعطاف، چابکی، توازن، قدرت و آماده‌سازی تکنیک و تاکتیک) ورزشکاران را متعهدتر می‌کند (مارتیندال و همکاران، ۲۰۰۷).

خرده‌مقیاس دیگر این پرسش‌نامه؛ یعنی خرده‌مقیاس «اصول رشد بلندمدت» نیز بالاتر از حد متوسط ارزیابی شد. این خرده‌مقیاس بر «سهیم‌بودن ورزشکار در تصمیم‌گیری‌ها»، «پرهیز از تخصصی‌شدن زود هنگام» و «حمایت خانوادگی» تأکید دارد. با توجه به بالاتر از سطح متوسط بودن این خرده‌مقیاس در بسکتبالیست‌های نخبه، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که در محیط پرورش استعداد بسکتبالیست‌ها به این موارد توجه شده است. به عقیده کارسون^۱ (۲۰۱۱)، برای عملکرد بهتر در هر رشته ورزشی باید از تخصصی‌شدن زود هنگام در ورزش پرهیز شود. همچنین، اهمیت حمایت خانواده در محیط پرورش استعداد در نظریات بلوم و ساسنیاک^۲ (۱۹۸۵) و کوتاه (۱۹۹۹) مطرح شده است. بلوم و ساسنیاک (۱۹۸۵) بیان کرده‌اند که والدین حمایت بسیار نزدیک و احساسی با ورزشکار دارند. همچنین، کوتاه (۱۹۹۹) از مطالعه طولی خود نتیجه گرفت که والدین نقش‌های اساسی و مختلفی را در سنین مختلف ورزشکار از رهبربودن تا دنباله‌روبودن داشته‌اند. همچنین، رولوی و گراهام^۳ (۱۹۹۹) مطرح کرده‌اند که تعداد زیادی از

4. Christensen, & Sørensen
5. Houlihan

1. Carlson
2. Bloom, & Sosniak
3. Rowley & Graham

هولت^۱ (۲۰۰۲) مطرح کرده است که اجرای یک برنامه تمرینی با کیفیت بالا و حمایت کادر مربیان، یکی از وظایف مهم مسئولان است. یافته دیگر مطالعه حاضر نشان دهنده در حد متوسط بودن درک بسکتبالیست‌های نخبه است. خرده‌مقیاس «درک ورزشکار» به ادراک منفی ورزشکار از توجه مربی و مسئولان به زندگی بیرون از تمرین و سلامت روان ورزشکاران پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که بسکتبالیست‌ها ادراک مثبتی از توجه مربی و مسئولان به زندگی بیرون از تمرین و سلامت روانشان نداشته‌اند. این در حالی است که روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که جسم و روان طوری با هم تعامل دارند که در تأثیر و تأثر متقابل قرار می‌گیرند و اگرچه بیشتر برنامه‌های تمرینی بر مهارت‌های فیزیکی و تکنیک و تاکتیک ورزشکاران تأکید دارند، متغیرهای روانی نیز باید به‌عنوان تأمین‌کننده‌ای برای بقا و ادامه موفقیت ورزشکاران مدنظر قرار گیرند (مک‌نامارا و کولینز، ۲۰۱۱). گلد، دیفنباخ و موفیت^۳ (۲۰۰۲) براساس شواهد کیفی نشان دادند که عامل روانی، عامل بسیار مهمی در عملکرد حرفه‌ای بازیکنان است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت سلامت روانی ورزشکاران پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های پرورش استعداد، تأکید بیشتری به افزایش و ارتقای سلامت روانی ورزشکاران شود. یافته دیگر مطالعه حاضر نشان داد که خرده‌مقیاس «آماده‌سازی کیفی» نیز در حد متوسط است. هدف از طراحی این خرده‌مقیاس، بررسی کمبودهای کیفیت تمرین، بازگشت به حالت اولیه و تجربه مسابقه است. با توجه به این یافته به نظر می‌رسد که توجه به

روند مثبت محیط پرورش استعداد اشاره داشته است. به نظر می‌رسد که محیط چالش‌برانگیز در ترکیب با حمایت سالم و تأکید نداشتن بر برد، به استرس کمتر و انگیزه درونی بیشتر و اشتیاق زیاد ورزشکار برای رشد و بهتر کردن عملکرد منجر شود (مارتیندال و همکاران، ۲۰۱۰).

یافته دیگر مطالعه حاضر نشان داد که خرده‌مقیاس «ارتباطات» نیز بالاتر از حد متوسط است. خرده‌مقیاس ارتباطات به ارتباط مؤثر مربی با ورزشکار اشاره دارد. در این خرده‌مقیاس، سؤال‌هایی در مورد اینکه آیا مربی ورزشکار را با خصوصیات دیگر ورزشکاران موفق و خصوصیات حریفان آشنا کرده است یا نه و آیا ورزشکاران قبل از رقابت با محیط مسابقه آشنا شده‌اند یا نه، مطرح شده‌اند. با توجه به بالاتر از سطح متوسط ارزیابی شدن این خرده‌مقیاس، به نظر می‌رسد که در محیط پرورش استعداد بسکتبالیست‌ها، ارتباط بالاتر از سطح متوسط بین مربی با ورزشکار ایجاد شده است. بنابر نظر کارسون (۲۰۱۱)، ارتباط مؤثر بازیکن با مربی برای داشتن یک برنامه تمرینی مؤثر یک حداقل است.

یافته دیگر مطالعه حاضر نشان داد که خرده‌مقیاس «شبکه حمایتی» در حد متوسط است. هدف از طراحی این خرده‌مقیاس، بررسی حمایت پیوسته، در دسترس و همیشگی کادر مربی، روان‌شناس، مربی بدن‌ساز، متخصص تغذیه و فیزیوتراپ از ورزشکار است. براساس یافته‌های مطالعه حاضر، به نظر می‌رسد که بسکتبالیست‌ها از حمایت پیوسته این کادر به‌نحو احسن بهره نبرده‌اند. این در حالی است که حمایت خوب کادر مربیان از ورزشکار (مربی بدن‌ساز، روان‌شناس، روان‌پزشک و فیزیولوژیست) به‌ویژه در سطوح بالای رقابتی، منبع بالارزشی برای موفقیت است (دوران-بوش و همکاران، ۲۰۰۱). در همین ارتباط،

1. Holt
2. Macnamara, & Collins
3. Gould, Dieffenbach, & Moffett

همچنین، یافته‌ی دیگر پژوهش حاضر نشان داد که متغیرهای روانی و ابعاد آن شامل بعد مهارت‌های پایه، مهارت‌های روان‌تنی و مهارت‌های شناختی، بالاتر از حد متوسط هستند. تاکنون پژوهش‌های بی‌شماری در ارتباط با مهارت‌های روانی ورزشکاران نخبه انجام شده‌اند که بیشتر این پژوهش‌ها حاکی از بالاتر بودن مهارت‌های روانی ورزشکاران سطوح بالای رقابتی نسبت به سطوح پایین‌تر بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، یکی از عوامل موفقیت ورزشکاران سطوح بالای رقابتی، مهارت روانی بالاتر آن‌ها بوده است (واعظ‌موسوی و مسیبی، ۲۰۰۷). به عقیده‌ی کی^۴ (۲۰۰۰)، آنچه ورزشکاران نخبه را از اجرای بهینه در تمرین و مسابقات بازمی‌دارد، کمبودهای روانی است؛ نه کمبودهای جسمی و فنی. با توجه به موارد ذکرشده، بالاتر از حد متوسط بودن مهارت‌های روانی بسکتبالیست‌های نخبه دور از انتظار نیست؛ زیرا، این ورزشکاران در سطح بالای ورزشی قرار دارند و وجود این مهارت‌ها در آن‌ها برای عملکرد ورزشی آن‌ها اهمیت بسیاری دارد.

یافته‌ی دیگر پژوهش حاضر نشان داد که متغیر محیط پرورش استعداد، در حد بسیار ضعیف توان تبیین متغیر مهارت‌های روانی را دارد. این درحالی است که هر دو متغیر بالاتر از سطح متوسط ارزیابی شده‌اند. شاید یکی از دلایل ارتباط ضعیف بین دو متغیر به این حقیقت مربوط باشد که برخی از ورزشکاران خارج از محیط پرورش خود و بنابر اعتقادات فردی یا براساس توصیه‌ی مربیان و خانواده‌شان، به ارتقا و تقویت مهارت‌های روانی پرداخته‌اند. دلیل احتمالی دیگر به چندبعدی بودن محیط پرورش استعداد مربوط می‌شود. پرسش - نامه محیط پرورش استعداد به پرورش ابعاد مختلف جسمی، فنی و روانی توجه داشته است؛ اما در این مطالعه، ارتباط کل پرسش‌نامه (پرورش ابعاد مختلف)

بازگشت به حالت اولیه و کیفیت تمرین بسکتبالیست‌ها مثبت نبوده است. این درحالی است که بدون شک یک برنامه‌ی تمرینی دارای کیفیت عاملی بسیار مهم و ضروری است که به عملکرد حرفه‌ای ورزشکار می‌انجامد (دیویدز و بیکر^۱، ۲۰۰۷). یکی از سؤال‌هایی که در خرده‌مقیاس آماده‌سازی کیفی مطرح شده، این است که «من به‌ندرت برای زمان‌هایی که مسائل به دلخواه من پیش نرفت، برنامه دارم»، این سؤال به اهمیت تدوین اهداف برای تمرین و مسابقه و شبیه‌سازی شرایطی مشابه با شرایط مسابقات در تمرینات اشاره می‌کند. براساس فرضیه‌ی ویژگی تمرین، برای به‌دست‌آوردن بهترین نتیجه در روز مسابقه باید تا حد امکان شرایط تمرین شبیه به شرایط مسابقه باشد (خدادادی، موحدی، صالحی، ۲۰۱۱). در این خرده-مقیاس، سؤال دیگری با این مضمون «من در مورد برقراری توازن بین آموزش، رقابت و بازگشت به حالت اولیه آموزشی ندیده‌ام» مطرح شده است. در این رابطه، کلمن^۲ (۲۰۰۲) بیان کرد که بازگشت به حالت اولیه یک امر جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ی چندوجهی تمرین است. همچنین، مارتیندال و مورتیمر^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ی دریافتند که یک بازگشت به حالت اولیه مؤثر فیزیکی و روانی لازم است تا ورزشکاران از جراحات و دیگر عواقب روانی مثل فرسودگی و استرس به‌دور باشند؛ بنابراین، برای برقراری تعادل بین زندگی شخصی و ورزشی ورزشکاران و بازگشت به شرایط اولیه و خارج‌شدن از فشارهای روانی و جسمی ناشی از تمرینات و مسابقات، تعیین زمانی برای بازگشت به حالت اولیه و اهمیت‌دادن به این موضوع در محیط‌های پرورش استعداد امری ضروری و لازم است.

1. Davids, & Baker
2. Kellmann
3. Martindale, & Mortimer

4. Kay

منابع

1. Aufenanger, S. J. (2005). Relationships between mental skills and competitive anxiety interpretation in open skill and close skill athletes. (Unpublished doctoral dissertation). Miami University, Cincinnati.
 2. Baker, J., & Horton, S. (2004). A review of primary and secondary influences on sport expertise. *High Ability Studies*, 15(2), 211-28.
 3. Bar-Or, O. (1975). Predicting athletic performance. *Physician and Sportsmedicine*, 3(2), 81-5.
 4. Bloom, B. S., & Sosniak, L. A. (1985). *Developing talent in young people*. New York: Ballantine.
 5. Carlson, R. (2011). Talent detection and competitive progress in biathlon-a national example. *Polish Journal of Sport and Tourism*, 18(4), 290-5.
 6. Christensen, M. K., & Sørensen, J. K. (2009). Sport or school? Dreams and dilemmas for talented young Danish football players. *European Physical Education Review*, 15(1), 115-33.
 7. Côté, J. (1999). The influence of the family in the development of talent in sport. *The Sport Psychologist*, 13(4), 395-417.
 8. Davids, K., & Baker, J. (2007). Genes, environment and sport performance. *Sports Medicine*, 37(11), 961-980.
 9. Durand-Bush, N., Salmela, J. H., & Green-Demers, I. (2001). The ottawa mental skills assessment tool (OMSAT-3*). *The Sport Psychologist*, 15(2), 1-9.
- با بعد مهارت‌های روانی بررسی شده است. این درحالی است که ممکن است برخی از خرده‌مقیاس‌ها و در هر خرده‌مقیاس برخی از گویه‌ها، ارتباط بیشتری با ارتقای مهارت‌های روانی داشته باشند.
- در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که میانگین متغیر محیط پرورش استعداد و خرده‌مقیاس‌های رشد بلندمدت، اساس و بنیان رشد بلندمدت، ارتباطات و محیط چالشی و رقابتی و همچنین، متغیر مهارت‌های ذهنی و ابعاد آن، در بین بازیکنان نخبه بسکتبالیست بالاتر از حد متوسط است؛ اما خرده‌مقیاس‌های درک ورزشکار، شبکه حمایتی و کیفیت آماده‌سازی، در بین این بازیکنان در حد متوسط ارزیابی شدند. در نهایت، متغیر محیط پرورش استعداد در حد بسیار ضعیف توان تبیین متغیر مهارت‌های روانی را داشت. براساس یافته‌های این مطالعه، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که محیط پرورش استعداد را در ورزش‌های مختلف مقایسه کنند؛ زیرا، براساس پژوهش‌های بیکر و هورتون^۱ (۲۰۰۴) و نیز وینز، فوگدی، دانس و بوگنا^۲ (۲۰۰۸)، ارزش‌هایی که در یک فرهنگ برای یک ورزش قائل می‌شوند، بر برنامه‌ریزی‌ها و دستاوردهای ورزشی اثر دارد. پیشنهاد دیگر این است که محیط پرورش استعداد فوتبال با ورزش‌های گروهی دیگر مقایسه شود؛ زیرا، در کشور ما فوتبال نسبت به ورزش‌های دیگر از جایگاه خاصی برخوردار است. علاوه بر فرهنگ ورزشی، سیاست‌گذاری‌های ورزشی دولت و راهبردهای آن، در انجام یک ورزش حرفه‌ای اثرگذار هستند؛ براین اساس، پیشنهاد می‌شود که محیط پرورش استعداد از نظر شبکه حمایتی در شهرهای کوچک و بزرگ با هم مقایسه شود.

1. Horton
2. Vincze, Fugedi, Dancs & Bognar

10. Fraser-Thomas, J., Côté, J., & Deakin, J. (2008). Examining adolescent sport dropout and prolonged engagement from a developmental perspective. *Journal of Applied Sport Psychology*, 20(3), 318-33.
11. Davids, K., & Baker, J. (2007). Genes, environment and sport performance. *Sports Medicine*, 37(11), 961-980.
12. Durand-Bush, N., Salmela, J. H., & Green-Demers, I. (2001). The ottawa mental skills assessment tool (OMSAT-3*). *The Sport Psychologist*, 15(2), 1-9.
13. Fraser-Thomas, J., Côté, J., & Deakin, J. (2008). Examining adolescent sport dropout and prolonged engagement from a developmental perspective. *Journal of Applied Sport Psychology*, 20(3), 318-33.
14. Geron, E. (1978). Psychological Assessment of Sport Giftedness. The International Symposium on Psychological Assessment in Sport, Netanya, Israel.
15. Gimbel, B. (1976). Possibilities and problems in sport talent detection research. *Leistungssport*, 6, 159-67.
16. Gould, D., Dieffenbach, K., & Moffett, A. (2002). Psychological characteristics and their development in Olympic champions. *Journal of Applied Sport Psychology*, 14(3), 172-204.
17. Harre, D. (1982). *Trainingslebre*. Berlin: Sportverlg.
18. Havlicek, I., Komadel, L., Komarik, E., & Simkova, N. (1982). Principles of the selection of youth talented in sport. The International Conference on the Selection and preparation of sport Talent, Bratislava, Czechoslovakia.
19. Holt, N. L. (2002). A comparison of the soccer talent development systems in England and Canada. *European Physical Education Review*, 8(3), 270-85.
20. Houlihan, B. (2000). Sporting excellence, schools and sports development: The politics of crowded policy spaces. *European Physical Education Review*, 6(2), 171-93.
21. Ivarsson, A., Stenling, A., Fallby, J., Johnson, U., Borg, E., & Johansson, G. (2015). The predictive ability of the talent development environment on youth elite football players' well-being: A person-centered approach. *Psychology of Sport and Exercise*, 16, 15-23.
22. Jones, M., & Watson, G. (1977). Psychological factors in the prediction of athletic performance. The International Symposium on Psychological Assessment in Sport, Netanya, Israel.
23. Kay, T. (2000). Sporting excellence: A family affair? *European Physical Education Review*, 6(2), 151-69.
24. Kellmann, M. (2002). *Enhancing Recovery: Preventing underperformance in athletes*. Champaign: Human Kinetics.
25. Khodadadi, E., Movahedi, A., & Salehi, H. Goal setting: A motivational factor to facilitate learning of Volleyball serve in novices. *Development & Motor Learning*, 3(8), 119-35.
26. Li, C., Wang, C. K. J., Pyun, D. Y., & Martindale, R. (2015). Further development of the talent development environment questionnaire for sport. *Journal of sports sciences*, 33(17), 1831-43.
27. Macnamara, A., & Collins, D. (2011). Development and initial

- validation of the psychological characteristics of developing excellence questionnaire. *Journal of Sports Sciences*, 29(12), 1273-86.
28. Martindale, R. J. J., & Mortimer P. (2010). Talent development environments: Key considerations for effective practice. In D. Collins, H. Richards, & A. Button (Eds.), *Performance psychology: A practitioner's guide*. Oxford: Elsevier.
29. Martindale, R. J., Collins, D., & Abraham, A. (2007). Effective talent development: The elite coach perspective in UK sport. *Journal of Applied Sport Psychology*, 19(2), 187-206.
30. Martindale, R. J., Collins, D., Wang, J. C., McNeill, M., Lee, K. S., Sproule, J., & Westbury, T. (2010). Development of the talent development environment questionnaire for sport. *Journal of Sports Sciences*, 28(11), 1209-21.
31. Orlick, T., & Partington, J. (1988). Mental links to excellence. *The Sport Psychologist*, 2(2), 105-30.
32. Power, T. G., & Woolger, C. (1994). Parenting practices and age-group swimming: A correlational study. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 65(1), 59-66.
33. Rahmani, P., & Moheb, N. (2011). A comparison of child rearing method and affective climate of a family a child suffering from free floating anxiety and those without anxiety. *Instruction and Evaluation*, 4(13), 67-78.
34. Reilly, T., Williams, A. M., Nevill, A., & Franks, A. (2000). A multidisciplinary approach to talent identification in soccer. *Journal of Sports Sciences*, 18(9), 695-702.
35. Rowley, S. R., & Graham, P. J. (1999). Intensive training in youth sport: An example of unequal opportunity. *Children & Society*, 13(2), 119-29.
36. Vaez Mousavi, S., & Mosayyebi, F. (2007). *Sport psychology*. Tehran: Samt.
37. Vincze, G., Fügedi, B., Dancs, H., & Bognár, J. (2008). The effect of the 1989–1990 political transition in Hungary on the development and training of football talent. *Kinesiology*, 40(1), 50-60.
38. Westermarck, M. (2016). Talent development in female football: What characterizes a successful environment? (Unpublished master thesis). University of Umeå, Sweden.
39. Yoselyani, G., Habibi, M., & Soleymani, S. (2012). The relationship between discipline desired behavior and family functioning, locus of control and self-esteem of students. *Journal of School Psychology*, 1, 114-34.
40. Zeidabadi, R., Rezaie, F., & Motashareie, E. (2014). Psychometric properties and normalization of Persian version of ottawa mental skills assessment tools (OMSAT-3). *Sport Psychology Review*, 3(7), 63-82.

استناد به مقاله

تیزرو، م. و بادامی، ر. (۱۳۹۷). توصیف محیط پرورش استعداد نوجوانان بسکتبالیست نخبه و ارتباط آن با مهارت‌های روانی. مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی، شماره ۲۳، ص. ۵۱-۶۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/spsyj.2018.3278.1337

Tizro, M., & Badami, R. (2018). Description of the Environment of Talent Development for Elite Adolescent Basketball Players and its Relationship with Mental Skills. Journal of Sport Psychology Studies, 23; Pp: 51-66. In Persian. Doi: 10.22089/spsyj.2018.3278.1337



Description of the Environment of Talent Development for Elite Adolescent Basketball Players and its Relationship with Mental Skills

Mehrshad Tizro¹, Rokhsareh Badami²

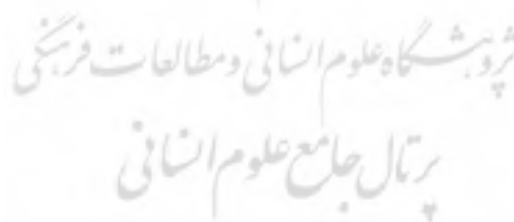
Received: 2016/11/04

Accepted: 2017/03/12

Abstract

The aim of this research was to description the talent development environment of youth elite basketball players and its relationship with mental skills. For this purpose, 29 boys who were invited to the youth national team selected through convenience sampling. Data were measured using Talent Development Environment Questionnaire of Martindale and qualleques and OMSAT-3 Mental Skills Questionnaire and were analyzed using a one sample T-Test and regression. The obtained means of the environment of talent development and mental skills were above average. In addition, Talent Development Environment can be explained mental skills very poor. Poor relationship between Talent Development Environment with mental skills has been explained in various aspects.

Keywords: Mental Skills, Environment of Talent Development, Basketball



-
1. M. Sc of Sport Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
 2. Associate Professor of Motor Behavior, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran